

نشریه

پیام فلز کار

شماره هشتم - خرداد

1391

کارگر متحد همه چیز ، کارگر متفرق هیچ چیز

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

Email: skfelezkar@gmail.com

اتحاد ضرورت همیشگی طبقه کارگر

شهریار دیگری از میان ما رفت

خبرنامه فلزکار شماره 42

گزارش روز کارگر در ایران

چه باید کرد؟

مهار گرانی با دست های خیانتکار سرمایه داری انگل تجاری

همگامی جنبش کارگری جهانی با مردم ایران

پیروزی دیگری برای جنبش کارگری

جغد یک درصد

بیانیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری به مناسبت اول ماه مه

بیانیه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

قهرمانان گمنام جنبش کارگری ایران

محدودیت برای فعالین کارگری به نفع چه کسانی است؟

اتحاد، ضرورت همیشگی طبقه کارگر

بسیاری از ما می پرسند، چرا امسال برخلاف سالهای گذشته تشکلهای کارگری اطلاعیه ای واحد در روز کارگر صادر نکردند. چرا کارگران فلزکار مکانیک در امر وحدت این گروهها پیشقدم نشد؟

هرساله کارگران فلزکار مکانیک قبل از عید فراخوانی جهت همگرایی گروههای کارگری در رابطه با روز کارگر منتشر می کرد و همه گروهها را به وحدت حول این روز فرا می خواندیم. امسال به دلیل شرایط ویژه ای که سندیکای کارگران شرکت واحد داشت در آخرین روزهایبایانه خود را منتشر کرد. متاسفانه در سال گذشته اتفاقاتی باعث جدایی گروههای کارگری از هم شد. 1- شرکت بعضی از گروهها در کنفرانسی در ترکیه به دعوت شخصی بنام اریک لی 2- یکسونگری و اتهام زنی ها و دخالت های بی مورد گروههایی در مسایل داخلی گروه دیگر باعث این دور شدن ها شد. اما تنهاتشست گروههای کارگری خارج از حکومت را تنها در بر نمی گرفت، بلکه حتا خانه کارگر هم با تمام امکاناتش نتوانست بیش تر از 33 اتوبوس، که یک اتوبوس به دانشجویانش اختصاص داشت، راجمع آوری کند. هرچندکه در مقابل 33 اتوبوس آورده شده به ورزشگاه کارگران معتمدی در دروازه غار، 8 ون و اتوبوس و ماشین های نیروهای انتظامی خودنمایی می کرد. و این در حالی است که موج گرانی و بیکاری جامعه کارگری را در نگرانی عمیقی فرو برده است. افزایش 18 درصدی دستمزد کارگران در مقابل تورم 4 درصدی اعلام شده توسط آمارهای دولتی، زندگی زحمتکشان را با مخاطره روبرو ساخته است. سال جدید کارگری سالی پُراز تشویش برای مزدبگیران خواهد بود. هولناکترین موضوع برای مزدبگیران افزایش اجاره خانه هاست، که حداقل 60 درصد درآمد آنان را می بلعد. چرا در حالی که مطالبات کارگران هر روز فشرده تر می شود فعالین کارگری نمی توانند در این بستر رشد کنند؟ و حتا نمی توانند بر روی موضوعاتی همچون حق تشکل، پرداخت دستمزدهای معوقه، قراردادهای سفیدامضا موضعی مشترک اتخاذ کنند؟ متاسفانه نه تنها در تشکل های کارگری بلکه در جامعه هم هنوز معنای گسترده دموکراسی و اتحاد درک و آموزش داده نشده است. بعضی از گروهها می خواهند رهبری را قبضه کنند و در نوشتن اطلاعیه روز کارگر فقط نوشته آنان ملاک قرار گیرد و به اعتراضات و پیشنهادهای دیگران کوچکترین اعتنایی ندارند. بعضی از گروهها قبل از روز کارگر و حتا در سفرهای نوروزی تلاش در جمع آوری نیرو برای جلسات روز کارگری می کنند، تا با شکل دهی گروهی بقیه گروهها ی کارگری را تحت فشار برای قبولاندن سیاست هایشان بکنند. بعضی از گروهها فقط در روزهای نوشتن اطلاعیه روز کارگر پدیدار می شوند تا سال دیگر گروههایی که هیچ پشتوانه ای ندارند و تنها با اسم در این جلسات شرکت می کنند، و اگر از این گروهها پرسیده شود که در طول سال چه کرده اید؟ پاسخی ندارند، بدهند. تمام تلاش این گروهها استفاده از شان و منزلت سندیکایی ها در داخل و خارج از کشور است. گروههای ذکر شده بالا در سال گذشته کارگران فلزکار مکانیک را به خاطر داشتن مواضع روشنش که در اطلاعیه ها و نشریه پیام فلزکار منتشر می شود متهم به وابستگی به حکومت کردند و حتا از دعوت مابرای جلسه اول ماه مه نیز خودداری کردند که با پایمردی سندیکای کارگران شرکت واحد مجبور به پذیرش ما شدند اما یکسونگری ها باعث دلخوری کارگران فلزکار مکانیک شد و حتا سندیکای کارگران هفت تپه هم مبادرت به صدور اطلاعیه ای خارج از چارچوب دیگر تشکلهای نمود. امسال متاسفانه همین روند باعث شد تا فاصله ها بیشتر شده و به چندین اعلامیه منجر شد. و حتا کار بدانجا

رسید که از ارسال اطلاعیه های خود به کارگران فلزکار مکانیک، که آدرسمان رانیز دارند و یک کار بسیار معمول می باشد هم دریغ شد. در صورتی که ما در سال گذشته با توجه به اعتراضات نسبت به شرکت در کنفرانس ترکیه از امضای نامه ی این گروه که به وزارت کار نوشت شده بود مضایقه نکردیم. یا روسای گروهی که برای جمع کردن نیرو برای اطلاعیه روز کارگر رفته بودند با دوستان ما دیدار و دوستانمان آنان را به همگرایی فراخواندند.

به نظر ما اتحاد یعنی توافق بر سر حداقل ها و دمکراسی یعنی داشتن مواضع مستقل و دخالت نکردن در مسایل داخلی سایر گروه ها. گروه هایی که برای اتحاد شرط قایل می شوند، به این تفرقه دامن می زنند. آنان نیمه موخته اند که در راه امر اتحاد شرط و شروط باعث فشرده تر شدن صفوف نمی شود، بلکه این تعامل و گفتگوست که حداقل ها را مشخص و در حول این حداقل هاست که اتحاد شکل گرفته و گسترده تر می گردد. آنچه که رویداد به ضرر فعالین کارگری و تشکلهای کارگری و جنبش کارگری ایران است. ما همانطور که در اطلاعیه روز کارگر عنوان کردیم از همه زندانیانی که در جهت کار صنفی دستگیر شدند، اعم از کارگر و کارمند، روزنامه نگار، و کلا، حتا خانه سینما هم حمایت کرده و خواستار آزادیشان هستیم. تفاوت در اندیشه ها، موضع گیری ها و سلیقه ها امری است عادی که باید در نظر گرفته شود.

به نظر کارگران فلزکار مکانیک حداقل توافقات می تواند این موارد را شامل گردد: 1- حق داشتن تشکل آزادانه 2- پرداخت کلیه حقوق عقب افتاده کارگران 3- مجازات کارخانه هایی که حقوق کارگران را به موقع و یا اصلا پرداخت نمی کنند. 4- حق دستمزدی که تکافوی زندگی یک خانواده کارگری را بدهد. 5- لغو هرگونه قرارداد، چه موقت و سفید امضا که موجب عدم امنیت شغلی کارگران می شود. 6- اصلاح قانون کار به نفع کارگران. این خواسته ها می تواند بر طبق اعلامیه حقوق بشر، منشور جهانی سندیکاها، مقوله نامه های سازمان بین المللی کار، قانون اساسی (بخش حقوق ملت)، قانون کار، پیشنهاد کارگران فلزکار مکانیک به همه گروه های کارگری همگرایی و اتحاد عمل در موارد بالاست، که می تواند کار پایه ای باشد برای تفاهم هر چه بیشتر گروه های کارگری. ما منتظر پاسخ گروه های کارگری هستیم.

دبیر هیات تحریریه پیام فلزکار

جهانخواره را جیره خوار نیستیم

نه هم نوع را عمر کردن تباه

علی جعفری (کارگر)

بیا تا بگویم که ما کیستیم

به دنبال عدلیم و صلح و رفاه

چنین است آیین و ایمان ما

به دنیای آشفته از اغنیا

بیانیه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری به مناسبت اول ماه مه :

ثروت، به تولید کنندگان آن تعلق دارد!

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، همبستگی برادرانه خود را به همه برادران و خواهران زحمتکش خود در سراسر جهان اعلام می‌دارد. اول ماه مه روزی است که نقش اجتماعی انکارناپذیر ما در تولید همه ثروت جهان را یادآوری می‌کند. این روز، قدرت شکست‌ناپذیر ما که اتحاد طبقاتی مان ضامن آن است، در تغییر جهان بنا بر نیازها و توانایی‌های مان و ساختن دنیایی مطلوب و توأم با صلح و همبستگی برادرانه را نشان می‌دهد. فعالیت‌های انگلی شرکت‌های بزرگ مانع عملی شدن این آمل اند. تنها غارت استثمارگونه منابع و ثروت در جهت منافع آزمندانه خود به حساب مردم، و نیز تخریب محیط زیست میسر است. در شرایطی که سرمایه داری جهانی دچار بحران وسیع و گسترش یابنده خود است، مارکابت شدید داخلی امپریالیستی را شاهدیم. و در پی این بحران، امپریالیسم در منطقه‌های بیشتری از جهان قدرت خود در مهار منبع‌های تولید ثروت و کار ارزان، از دست می‌دهد. رقابت‌های بی رحمانه شان شدت یافته است، و جنگ‌های منطقه‌ای و دخالت‌های امپریالیستی در امور کشورها گسترش پیدا کرده اند. این رقابت بین امپریالیستی، منطقه‌های جنگی و بحرانی بیشتری را برپا می‌دارد. اثرگذاری این رقابت‌ها، وضعیت‌های جنگی، و بحران سرمایه داری در زندگی مردم وحشتناک است:

* 16% جمعیت جهان از سوء تغذیه رنج می‌برند،

* بیکاری هر لحظه افزایش می‌یابد،

* از هر شش نفر، یک نفر در پهنه جهان از آب آشامیدنی بهداشتی بی بهره اند،

* بیش از 100 میلیون نفر بی خانمان اند. میلیون‌ها نفر در بیخوله‌ها زندگی می‌کنند. صد‌ها میلیون نفر یا اجاره نشین اند و یا به منظور داشتن خانه‌ای از خود زیر بار سنگین وام‌ها هستند. 920 میلیون نفر بیسوادند،

* فقط در سال 2009، 8/1 میلیون کودک قبل از رسیدن به سن 5 سالگی جان خود را از دست دادند. هر ساله 2/1 میلیون نفر از بیماری‌هایی می‌میرند که می‌توان با تزریق واکسن از شیوع آنها جلوگیری کرد،

* حداقل حقوق قانونی زحمتکشان شامل: دستمزد مناسب، امنیت اجتماعی، خدمات عمومی مناسب و مجانی {آموزش و پرورش، بهداشت، حمل و نقل، و برق} آسیب دیده و محدود شده اند،

* فعالان سندیکاهای کارگری و زحمتکشان از کار اخراج و زندانی شده اند،

و در مقابل آن، سود سرمایه داران به طور نجومی افزایش یافته است. در بحبوحه بحران سال 2010، بیش از 50 شرکت بالای 715 میلیارد دلار سود برده اند. این واقعیت‌ها ما زحمتکشان جهان را وادار می‌دارد تا متشکل شده و ضد حمله‌های خود را برابر بهره‌کشی و درنده‌خویی سرمایه داری آغاز کنیم، و در جهت برآوردن نیازهای اساسی خود در برپایی دنیایی بدون بهره‌کشی انسان از انسان، بکوشیم.

در 12 مهرماه 1391 (3 اکتبر 2012)، روز اعتراض بین المللی، ما در کنار همدیگر بابرگزاری اعتصاب ها، تظاهرات، بسیج مردم، و کارزارهای اعتراضی در اغلب کشورها درپنج قاره جهان، توقف بهره کشی وحشیانه زحمتکشان را خواستار شده و از حقوق خود برای داشتن غذای مناسب، آب بهداشتی، مسکن، بهداشت، حق تحصیل، و حق داشتن وسیله رفت و آمد عمومی مناسب، و خدمات عمومی اجتماعی، دفاع خواهیم کرد.

بدون کار زحمتکشان، هیچ جهانی ممکن نیست،

اما برپایی دنیایی بدون سرمایه داران، ضروری و ممکن است.

شهریار دیگری از میان ما رفت

پرویز شهریاری بهبود خواه، نویسنده، مترجم، روزنامه نگار، پژوهشگر و دانشمند صاحب نام در عرصه ریاضیات روز جمعه به ابدیت پیوست. آنچه شهریاری دانشمند را از دیگر ریاضی دانان ایرانی متمایز می کند نبرد او در راه بهبودی طبقه کارگراست. او که از اوان جوانی به صفوف جنبش کارگری و اجتماعی پیوسته بود، در این راه چه بسیار شکنجه ها و در بدری ها و زندانها را که تجربه نکرد. پس از کودتای 28 مرداد او دستگیر و شکنجه شد. اما باز هم نشکست و سرفرازانه به خدمت خلق گردن نهاد. او پس از آزادی تلاش بسیار کرد تا هموطنانش را با ریاضیات مُدرن آشنا سازد. او اولین کسی بود که ریاضیات را با ترجمه های ساده به میان فرزندان زحمتکشان آورد. صدها تالیف او در این راه مویدا این امر است. او که رزم در راه بهبودی طبقه کارگر را تا آخر عمر پیشه خود ساخته بود، در دهه ششم از زندگی پس از آزادی از زندان به انتشار مجله چیستا همت گماشت، و چه خوش نوشت در نودمین بهار زندگیش و در آخرین شماره اسفندماه چیستا «وقایع دوساله به ما می آموزد که امروز هشیار تر باشیم. هوشیار بودن کار دولت مردان تنهانست، بلکه آنان به بهانه ی حفظ نظام (در حقیقت انباشت سرمایه)، اشتباه های زیادی می کنند. قذافی را ببینید که چگونه می خواست ارث خود را به فرزندان سپارد، و دیکتاتور شد؟ آیا ایلیبی امروز سامان گرفته است؟ آیا اوضاع مردم عراق و افغانستان برای مردم خاور میانه درس بزرگی نبود؟ چه باید کرد که دیکتاتورها از تاریخ درس بگیرند؟ گاندی هر روز پیش از آنکه سرکار خود برود، چند ساعت را به مطالعه می گذراند. این کار عادت همیشگی او بود. گاندی آموخت که فرزند اینشتین، اینشتین نمی شود، بلکه فرزند راکفلر، راکفلر می شود. او چنان زندگی کرد که وارث واقعی کشور پهناورش بود. او حتا در پس پرده هم به مردم خود دروغ نگفت»

زحمتکشان ایران این فرزند دانشمند خود را هرگز فراموش نخواهند کرد. او در میان ما نیست اما یادش و آثار ارزشمندش او را همیشه جاوید کرده اند. مادر بر ابر این جان شیفته سر فرود می آوریم.

کارگران فلز کار مکانیک 1391/2/25

خبرنامه فلزکار شماره 42

skfelezkar@gmail.com

باسلام ودرود به شما رفیق عزیزکه درسال گذشته باشما آشناوهمکاری هرچندمحدود به دلیل شرایط داشته ایم.وسپاس که مارا درراه ایجادسندیکیامن یاری می رسانید.چنانچه انتقاد ویایشنهادی دارید سپاسگزارخواهیم بود که برایمان ارسال کنید.امید واریم که این سال کاری جدیدهمراه باموفقیت برای همه مردم زحمتکش دنیا وشماباشد.دوستان می خواهیم خبرنامه را به روش دیگری آغاز کنیم.به همین خاطر درفرستادن اخبارکاری مارایاری کنید وهمچون گذشته چنانچه این خبرکاری امنیت شغلی شما ویادوستانمان رابه خطر می اندازد در اول خبریادآوری کنید.

همانطورکه دراعلامیه روزکارگر،کارگران فلزکارمکانیک اعلام کرده بودیم،توفان بیکاری سراسر واحدهای تولیدی رادرنور دیده است.ما به بخشی ازآنهاکه در روزنامه کاروکارگروایلنا درج گردیده اشاره می کنیم: اخراج 655 کارگرشهاب خودرو وابسته به آستان قدس رضوی - بیکارشدن 150 کارگرفولاد زاگرس قروه - قرارداد 65 کارگرشرکتی شهرداری رشت تبدیل وضعیت نشده است - اخراج 200 کارگر کارخانه تولیدشمش چدن در نوب آهن غرب درملایر - اخراج 500 کارگرکارخانه نساجی مازندران - اخراج 80 کارگرایران تایر - اخراج 67 کارگرچدن پارس - تعطیلی کارخانه نوب فلزات ابهربا 300 کارگر- تعطیلی 325 واحد تولیدی کود شیمیایی و بیکاری 15 هزار کارگر- کارخانه تولیدنخ الیاف هامون تعطیل و 70 کارگریبیکارشدند - 70 کارگرکارخانه نخ ایران شهرک صنعتی ابهرتمدید قراردادنشدند - بیکاری 40 هزارنیروی آموزش دیده در بروجرد- 200کارگر کارخانه پلی اورتان در سال گذشته بیکارشدند - کارخانه شیرین طعم لارستان تعطیل و60 کارگران اخراج شدند - 2 زن کارخانه سیمان لارستان بعدازمرخصی زایمان اخراج شدند - تعطیلی 15ماهه کارخانه قند اهواز و نابودی 2500 شغل وابسته به این کارخانه - 180 کارگر کارخانه کیوان همدان باخصوصی سازی اخراج شدند - 200 کارگریه جمع مقرری بگیران بیمه بیکاری لارستان پیوستند - 330کارگلوله سازی سدید بیکارشدند وامکان اخراج1000 کارگردیگرفراهم شده است - 450 کارگرکارخانه لوله سازی خوزستان در واحد های 3و4 از اول امسال بیکارشدند - باپلمب شرکت اسید ساز درشهرصنعتی ساوه 40 کارگر شاغل دراین واحد تولیدی بیکارشدند - 50 کارگرقراردادی کارخانه شهرداری شهریار بعدازعیدتمدید قراردادنشدند - اخراج 100 کارگردائمی وقراردادموقت کارخانه داروسازی کوثر - بیکاری 200 کارگر کارخانه روغن نباتی ناب تهران.تابه این جا تعداد**26469نفر**اخراج ویا ازکاربیکارشده اند.

تجمع 800 نفر از کارگران صنایع فلزی درمقابل ریاست جمهوری به دلیل عدم دریافت 8 ماه حقوق و بیمه - بیکاری دهها هزار نفر در پی واردات گسترده قند وشکر - نامه کارگران فولادزاگرس:بزرگترین پروژه صنعتی کردستان درآستانه تعطیلی وبیکاری 350 کارگر - نیمی ازچاپیکاران به کارگر روزمزد ساختمانی تبدیل شده اند - تجمع کارگران نساجی درخیابان اصلی قائم شهر.این کارگران 18 ماه است

حقوق نگرفته اند - 200 واحد صنعتی در سال گذشته تعطیل شده اند - تعطیلی 40 واحد تولید قارچ و بیکاری کارگران این این واحدها - کارگران پلی اروتان 2 ماه است حقوق نگرفته اند - کارگران قطار شهری اهواز 800 نفر هستند که 5 ماه است حقوق نگرفته اند - طی یکسال گذشته 25 درصد از کارگران صنف گل و گیاه بیکار شده اند - تجمع دهها باره معلمان شرکتی وزارت آموزش و پرورش - بیکاری کارگران آلومینیوم هرمزگان به تبع کاهش مصرف انرژی - اخراج و بیکاری و تعطیلی واحدهای تولیدی در حالی صورت می گیرد که اخبار بالا نشانگر به عقب افتادن ماهها حقوق کارگران کارخانه های بسیاری است. در همین حال آقای قالیباف شهردار تهران نیز بر طبل بیکار کردن ها می کوبد:

شهردار تهران: نیمی از نیروهای شهرداری هم که بروند، کار روی زمین نمی ماند.

احتمالا خود و خانواده اشان جارو بدست گرفته همراه با خانواده مدیران شهرداری ها به حمل زباله ها و پاکیزه کردن شهر خواهند پرداخت. قابل توجه شهرداری های شهرهای دیگر.

از 8 میلیون کارگر شاغل در واحدهای تولیدی، 6 میلیون نفر با قرارداد موقت مشغول بکار هستند - رواج بکارگیری کودکان و زنان در کارگاههای کوچک برای استثمار و سود بیشتر (وقتی کسب سود حرف اول و آخر را در اقتصاد می زند) - پروین محمدی: گسترش قرارداد های سفید امضا در پی هدفمندی یارانه ها - اخراج از یک طرف، گسترش قراردادهای سفید امضا از طرف دیگر، بکارگیری کودکان و زنان برای استثمار بیشتر در واحدهای تولیدی و هجوم چایکاران و کارگران کشاورزی به شهرها برای پیدا کردن کار و رقابت با کارگران شاغل. اما برای استثمار بیشتر و رواج کسب و کار آقایان کارفرما بشنوید سخنان گهربار آقای وزیر کار:

دستور وزیر کار برای اشتغال کارگران چینی در ایران و در بخش راهسازی شمال کشور.

این سخن یعنی سازمان تجارت جهانی بدانید و آگاه باشید که مانیزبه جهانی سازی معتقدیم و خروج و ورود سرمایه و نیروی انسانی را آزاد می دانیم. ما رابه غلامی بپذیرید. اما دوستان این نوع سخنان گهربار تنها از دهان مبارک وزیر کار بیرون نمی آید. وزیر تجارت برای نابودی صنعت و کشاورزی همگام با وزیر کار این چنین دستور می دهد:

غضنفری وزیر تجارت: برای مهارگرانی اجازه واردات به مبلغ 24 میلیارد دلار داده شده است. (روزنامه دنیای اقتصاد 91/2/16) بدستور وزیر تجارت از 20 اسفند تعرفه واردات شکر صفر و زمینه واردات گسترده به کشور ایجاد شده است. (روزنامه شرق 91/2/19)

* اعتصاب غذای رضاشهبی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در اعتراض به عدم رسیدگی پزشکی و تحقق نیافتن وعده های مقامات قضایی و سپس به دلیل وخیم شدن شرایط جسمی رضا شهبی، بستری شدن در بیمارستان. همچنین به زندان رفتن علی نجاتی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه جهت تحمل حکم زندان. در شصت سالگی و باداشتن مشکل قلبی.

* قابل توجه متقاضیان بهره بردای از قانون بیمه کارگران ساختمانی. به اطلاع افرادی که دارای کارت مهارت سازمان فنی و حرفه ای بوده و متقاضی استفاده از بیمه کارگران ساختمانی می باشند که طبق دستور 10015 مورخه 91/2/17 اداره کل شرق تهران بزرگ ، سهمیه نامنویسی اینگونه افراد به پایان رسیده لذا تا اطلاع ثانوی از بیمه کردن آنان معذوریم.

خواهران و برادران کارگر! کافی است نظری به سیر تحولات اقتصادی و کارگری داشته باشیم تا خط اصلی که همانا اخراج و ندادن حقوق عقب افتاده کارگران، رواج هرچه بیشتر قراردادهای موقت و سفیدامضا، بکارگیری کودکان و زنان در واحدهای تولیدی برای استثمار و سودجویی هرچه بیشتر کارفرمایان دولتی، واردات کارگر چینی، زندانی کردن کارگران سندیکایی، و به فراموشی سپردن وعده های داده شده به کارگران ساختمانی جهت بیمه نمودن این کارگران، همگی از این حکایت دارد که سرمایه داری انگل تجاری بواسطه حضور در جای جای اقتصاد برای استثمار و سودجویی هرچه بیشتر و همزمان پایین نگه داشتن دستمزد کارگران و حمله به دستاوردهای کارگری از جمله بیمه کارگران ساختمانی خیز برداشته است. برای مهار جنبش اعتراضی کارگران و تخریب روحیه مبارزه جویانه طبقه زحمتکش برای مقابله نکردن با سیاست های ویرانگر سرمایه داری با زندانی کردن کارگران سندیکایی و فعالان کارگری، به میدان آمده است. همزمان برای تاراج ثروت ملی و افسانه ای نفت و با بهانه مهارگرانی با واردات سیل آسا ضربه نهایی رابه پیکر واحدهای تولیدی و کشاورزی و بیکار کردن وسیع کارگران وارد می آورد. نتیجه این سیاست صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی برای ما، کشوری وابسته به نفت و تک محصولی و مصرف گرای تولیدات بنجل سرمایه داری و عقب مانده گی فرهنگی و اقتصادی از جهان پیشرو است. برای عقیم گذاشتن این سیاست ضد ملی با متشکل شدن در سندیکاهای کارگری به نجات آینده کشور و فرزندانمان برخیزیم.

کارگران فلز کار مکانیک در راستای همبستگی کارگری از اطلاعیه های سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادیه کارگران پروژه ای و هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات حمایت کرده و این اطلاعیه ها را تکثیر و بدست کارگران رساند.

هم میندار که لالیم اگر خاموشیم

دیده گر کس به خطا بست و را کور مدان

نیک دانند که ما چون خُم می در جوشیم

موم بر لب زدگانیم ، ولی اهل دلان

ساغر بادیه بیارید که شادان نوشیم

خسته از شرب یهودیم دگر بادآباد

بهر روز

گزارش روز کارگر در ایران

روز کارگر در کارخانه های ایران خودرو، لوله سازی اهواز، ذوب آهن اصفهان، سیمان درود، تراکتور سازی تبریز، پارس جنوبی، شرکت ملی حفاری شرکت نفت، پتروشیمی بندرامام، بصورت بسیار محدود جشن گرفته شد و کارگران با آوردن شکلات و پخش مخفی آن در سطح کارخانه این روز را جشن گرفتند. هرچند که شعارهایی توخالی در ارزشمند بودن کارگری به در و دیوار نصب بود، اما شور و هیجانی از این روز در این واحدهای تولیدی نمود نداشت. پخش ویژه نامه پیام فلزکار آن هم در سطحی محدود و پخش اعلامیه های سندیکاهای کارگری تنها نشانه گرمی داشت روز کارگر در این واحدهای صنعتی بود. ما بخشی از نامه های کارگران را برایتان می آوریم:

* امروز همگام با همه کارگران ایرانی به سرکار رفتیم و مثل همیشه تا آخر وقت جان کندهیم. ساعت 3 بعد از ظهر لیست اضافه کاریها را آوردند، و من خوشحال شدم که حداقل امروز اسم من در لیست اضافه کاری نیست و خوشحال به خانه رفتم. کارگر فلزکار، دم در خانه قلبم شکست چون مدت یک هفته است که به همسرم قول داده بودم که داروی ضد نرمی استخوانش را از داروخانه بگیرم، ولی از اول سال تا امروز هنوز پولی از کارخانه نگرفته ام. روز کارگر تو مبارک

* امروز در کارخانه بحث اینکه چه روزی باید روز کارگر باشد، 11 اردیبهشت یا 12 اردیبهشت بود. من گفتم چه فرقی می کند روزی که ما آزاد نیستیم حداقل تعطیل باشیم، اصلاً بزار 15 اردیبهشت باشه.

* 11 اردیبهشت چهار ماه است که حقوق و عیدی نگرفته ایم. یعنی مسوولین نمی فهمند که ما باید چطوری زندگی کنیم. بریم گدایی،؟؟ و زبر کار امروز می تونه به زنش خرجی نده و صبح به اداره بیاد. روز همه کارگرای حقوق نگرفته مبارک.

* دلم می خواست امروز توی خارج باشم منم شعار بدهم.

* امروز به ابتکار چند نفر از کارگران عکس اسانلو و مددی که چند سال پیش شما کارت تبریک برای روز کارگر کرده بودید را بین کارگران پخش کردیم.

* من و چند نفر تصمیم گرفتیم چند کیلو شیرینی بخریم و در کارخانه پخش کنیم. نگهبانی به خیال اینکه بچه ام به دنیا آمده به من تبریک گفتند. شیرینی با روز کارگر مبارک دست به دست شد.

* خودکارها روز کارگر شمارا در کارخانه پخش کردیم جالب بود. ویژه نامه شما حرف نداشت، عالی بود.

مطالب بسیاری از این دست و بیشتر هم غم نامه کارگران بدستمان رسید که بخشی هم با عصبانیت نوشته شده بود. روز کارگر در کوهها، خانه ها، کارگاههای کوچک، در روز 9 و 11 و 15 اردیبهشت توسط کارگران در سراسر ایران جشن گرفته شد. امیدواریم با مبارزات زحمتکشان سال آینده همبسته تر و آزاد

روزکارگر راباهمه کارگران جهان جشن بگیریم. راستی دوستان حال ابراهیم مددی و منصور اسالو هم خوب است .

چه باید کرد؟

ماکارگران ایران ازکارگران جهان جدانیستیم، چراکه منافع مشترک داریم. اما کارگرایرانی خیلی از کارگران جهان از نظر حقوقی عقب هستیم. باید این عقب ماندگی راباتلاش فراوان هرچی زودتر جبران نماییم. یک راه به نظرم می رسد که راه درستی است. ماکارگران بایدبا نیروهای دیگر که درتلاش هستند، کمک گرفته ،اتحاد داشته باشیم که کارهایمان عملی باشد. با هم آهنگ شدن باآموزگاران، دانشجویان، کشاورزان زحمتکش، کارگران کارخانه های تولیدی ازماشین سازی گرفته تا تولیدی کلیه لوازم زندگی. ما می توانیم از این نیروها کمک گرفته، اتحاد ایجادنموده، باهم درمبارزه پیروز شده، حق و حقوق از دست رفته خودمان ، بدست بیاوریم. ناگفته نماند که بخش بزرگ از زحمتکشان ایران، کارگران زن هستند. نباید این نصف جامعه فراموش شود. حالا خواسته های این زحمتکشان رانام ببرم: 1- روزجهانی کارگر، جهانی است وباید تعطیل رسمی اعلام شود وبه رسمیت شناخته شود. 2- روزجهانی زن باید تعطیل رسمی باشد وبه رسمیت شناخته شود. 3- کارگرموقت چه دولتی وغیردولتی وکارگر روزمزد درکاردولت وغیردولت کاملاً لغو گردد، همه باید استخدام رسمی مشغول شوند وازتمام حقوق ومزایا بهره مند شوند. 4- خواسته ما ازدولت فرق نمی کند دولت که باشد علی یا ولی. دولت باید در درجه اول فصل سوم قانون اساسی که حقوق ملت است را درست اجرانماید. چراکه قسم خورده قانون را بنبدند اجراخواهیم کرد. ورفاه وآسایش برای همه مردم ایران فراهم خواهد کرد. ملت برای دولت باید یکسان باشد. باید خودی وغیرخودی نباشد، که هست. 5- برای سال 1391 حقوق 390 هزارتومان اعلام کردند. اولاً باید بگوییم ریيسان امور کشورخودشان صادقانه اعلام نمایند بااین حقوق یک هفته زندگی کنند تاکارگران یکماه بااین حقوق سر کنند. دوم من قسم می خورم که این حداقل حقوق اجرایش فقط درحد کارخانه های بزرگ است وبیشتر زحمتکشان ازاین هم کمتر می گیرند. تازه چراحقوق کارمندها هنوز اعلام نشده؟ چرا باتورم حقوق بالانرفته؟ چرا بازنشسته های تامین اجتماعی باید کمتر از دیگر بازنشسته ها حقوق بگیرد؟ مگر برای دولت بازنشسته تامین اجتماعی بابازنشسته جای دیگر تفاوت دارد؟ مگر بازنشسته تامین اجتماعی نان وبرنج وروغن رارزانتر می خرد؟ چرا بااین درآمد نفت بیکاری این قدر زیاد است؟ پس این پول نفت چی شده است؟ چرا تابلحال ازوزیرسوال نشده معلوم شود ، بیکاری زیاد شده یا کم شده؟ معلوم سوال نشده. آقای وزیرکارآیامی دانی این سال90 چه تعداد کارگران که حقوق ومزایشان عقب افتاده از 5 ماه تا 18 ماه. نباید چاره ای برای این کارگران شود؟ سوال زیاد است اما جواب یکی است اتحاد. همه کسانی که حقوق می گیرند باید درسندیکاهای خودشان جمع شوند و حقوق خودشان رادرخواست کنند.

والسلام. داود عرفانی

دیروز برای اربابانمان می زیستیم ، بیایید فردا برای خودمان و آزادی مان بمیریم!

مارکوس گلا دیاتور

مهار گرانی با دست های خیانت کار سرمایه داری انگل تجاری و مافیای واردات

انتشار آمار بانک مرکزی در رابطه با افزایش 50 درصدی تا 156 درصدی قیمت مواد غذایی و سیل واردات کالاهای خارجی و اثرات زیان بار آن بر اقتصاد کشور موجی از نگرانی را در میان آزادیخواهان بوجود آورده است. وزیر تجارت غضنفری در پاسخ به پرسش گرانی های اخیر و افزایش قیمت مواد خوراکی یادآور شد: «برای مهار گرانی اجازه واردات به مبلغ 24 میلیارد دلار داده شده است». روزنامه دنیای اقتصاد 91/2/16 گزارش داد: «وزیر تجارت از برنامه های جدید برای کاهش قیمت کالاها خبر داد تا عبور از بحران کنونی آسان تر شود. 24 میلیارد دلار مصوب، بخشی از 60 تا 70 میلیارد دلار وارداتی است که همه ساله صورت می گیرد.» معاون وزیر تجارت می گوید: «24 میلیارد دلار مجوز اخیر واردات، ردیف بودجه ای نیست، بلکه تخصیص ارز رسمی از طریق بانک مرکزی برای واردکنندگان است.» صدور مجوز 24 میلیارد دلاری برای واردات به معنای نابودی هر چه بیشتر تولید داخلی است. این سیاست فقط در خدمت سرمایه داری خیانتکار تجاری است که از سویی با ارز دولتی اقدام به واردات می کند و از سویی با کمک واسطه ها این کالاها را احتکار کرده با قیمت گزاف در بازار بفروش می رساند و سودهای نجومی بدست می آورد. این سیاست در سالهای اخیر روندی به مراتب تندتر در پیش گرفته است. آمار خروج ارز و سرمایه و غارت ثروت ملی از سوی سرمایه بزرگ تجاری تکان دهنده است. تخریب اقتصاد ملی در طول 30 سال از علت های فقر و بدبختی است. خروج 770 میلیارد دلار ارز از کشور طی 31 سال آن هم فقط در بخش واردات و اختصاص 24 میلیارد دلاری در حال حاضر که 10 میلیارد آن شامل مواد غذایی و کالاهای مصرفی است، جزئیتهای ریشه اقتصاد ملی چیزی نیست. روزنامه شرق 91/2/7 می نویسد: «عمده اقلام وارداتی طی 11 ماه سال 1390 شمش آهن و پولاد، برنج، دانه های ذرت دامی بوده است.» جالب است بدانیم که چه کشورهایی مبادصدرات به ایران هستند: 1- امارات که واسطه واردات از کشور آمریکا و کشورهای اروپایی است 2- چین 3- کره جنوبی 4- ترکیه. در حالی سیل واردات به کشور ادامه دارد که در بخش صادرات کالاهای سنتی امان به خارج از جمله پسته، فرش، زعفران، خاویار و غیره بسیار نگران کننده ای دارند. بازار فرش توسط کشور چین، خاویار توسط روسیه و آذربایجان، زعفران توسط افغانستان، بدست گرفته شده است و کشاورزان ایرانی و تولید کننده های فرش و محصولات جهانی خاویار ما هر روز کاهش پیدا کرده است. بارها و بارها در خبرها از خود کفایی در امر گندم مسوولان ریز و درشت داد سخن داده اند. خبرگزاری فارس 90/12/12: «وزارت کشاورزی آمریکا اعلام کرد ایران 120 هزار تن گندم از آمریکا خریداری کرده است. خرید گندم ایران از آمریکا به بالاترین حد خود از سال 2008 میلادی رسیده است.» رشد روابط تجاری ایران و آمریکا در 5 سال گذشته از ابتدای سال 1385 تا کنون روبه افزایش گذاشته است. و این در حالی است که تراز تجاری ایران با آمریکا به نفع آمریکا بوده است. یعنی سرمایه داری انگل تجاری با تجارت با آمریکا و واردات کالا از آمریکا به شرکت ها و سرمایه داران آمریکایی نفع و بهره رسانده است. در عوض ارزهای ارزشمند نفتی ما در خزانه دولت آمریکا به سیاست تهاجم و حمله به ایران

تبدیل می شود. این مسئله تنها به آمریکا ختم نمی شود، سرمایه داری هار ترکیه که از واردات آدامس، پرده، رومبلی، شلوار لی و کریستال و شکلات در طی 30 سال توانسته اندوخته های بانکی خود را افزایش دهد و شهروندان ایرانی را با جاذبه های توریستی مجاب به مسافرت به آن کشور کند، بانقشه جدیدی برای غارت سرمایه زحمتکشان به میدان آمده است. روزنامه دنیای اقتصاد 90/12/25: «تجار ایران و ترکیه راهکار جالبی را پیش پای یکدیگر گذاشته اند. تهاتر کالا به جای نقل و انتقال پول» معنی این راهکار این است که ایران نفت و گاز و محصولات پُر ارزش خود را به ترکیه صادر و در مقابل از ترکیه کنسرو، رب گوجه فرنگی، لباس، آدامس، ماکارونی، شکلات، بیسکویت و اجناس غیر استاندارد و غیر بهداشتی وارد کند. با کاهش تعرفه ها حجم مناسبات تجاری ایران و ترکیه به بیش از 150 میلیارد دلار ارتقا خواهد یافت. بجای سرمایه گذاری در صنعت ماکارونی و رب گوجه فرنگی و مواد غذایی که به رشد کشاورزی ایران کمک میکند و کشاورزان و کارگران ایرانی بیکار نخواهند ماند، تجار خائن لطف کرده برایمان آدامس و بیسکویت با ارز نفتی خواهند آورد. دروازه های کشور بر روی کالاهای خارجی همچنان چهار تاق باز است و تولید ملی زیر آوار سیل واردات مدفون خواهد شد. ایلنا گزارش داد: «در ایران سیاست های دولت تولید محور نبوده و بخش واردات و کالاهای وارداتی رونق بیشتری دارند. با توجه به واردات بی رویه انواع کالاهای مصرفی به عنوان سیاست دولت در مقابل با تورم، از توان تولیدگران داخلی به عنوان عاملان ایجاد و یا حفظ اشتغال موجود کاسته است» با شدت یافتن واردات در طول 30 سال بیش از 770 میلیارد دلار ارز از کشور خارج شده است که می توانست کل سیستم بیمارستانهای ما را تجهیز کند و یا حداقل 20 کارخانه بزرگ احداث و یا در بسیاری از محصولات کشاورزی نه تنها خود کفاشده بلکه بازارهای جهانی را نیز به انحصار خود در آورد. همان کاری را که چین و کره جنوبی کردند. درآمدهای ارزی به جای رفاه مردم، تقویت بنیه تولیدی، پی ریزی اقتصادی مستقل، صرف خرید کالاهایی چون آدامس و بیسکویت و شکر از خارج شده است، که صنایع شکر و کشاورزان را بیکار کرده است. حضور سرمایه داری خیانتکار تجاری به همراه دزدان اختلاس گربانکی در صحنه سیاسی و اقتصادی باعث بیکاری، وابستگی شدید اقتصادی و فقر روز افزون مردم ایران گردیده است. آنچه امروز در یونان و اسپانیا و ایرلند می گذرد و سرمایه داری جهانی برای استثمار هر چه بیشتر و سودجویی نجومی اش به اقتصاد این کشورها دیکته می کند تا یوغ بندگی را همچنان به دوش بکشند و طبقه کارگر هزینه های بحران را به جای سرمایه داران تقبل کنند، فردا در انتظار ماست.

دستهای سرمایه داری خیانت کار تجاری و دزدان اختلاس گر بانکی این نوکران حلقه به گوش سرمایه داری جهانی از اقتصاد و امنیت ملی ایران کوتاه.

رضا کارشناسان

همگامی جنبش کارگری جهانی با مردم ایران

اگر در ایران ما نتوانستیم همگام با جنبش کارگری جهان، به اعتراض و راهپیمایی علیه سرمایه داری جهانی و نوکران داخلش، سرمایه داری تجاری دلال دست بزنیم، در همه کشورهای اروپایی و آمریکایی و آفریقایی و استرالیایی و آسیایی اعتراض و راهپیمایی بر علیه کاهش خدمات بهداشتی، آموزشی، افزایش

سن باز نشستگی، کاهش دستمزدها، و بیکاری گسترده کارگران که در فرانسه انگلیس، اسپانیا و ایتالیا، یونان، ایرلند، آمریکا با عظمت بیشتری برگزار شد. در این راهپیمایی ها، کارگران اروپایی و آمریکایی حمله نظامی سرمایه داری جهانی به کشور ایران و دخالت در امور داخلی سوریه را محکوم کردند. این جنبش ها حمایت همه جانبه خود را حتی بعد از روز کارگرنیز اعلام کردند. 30 اردیبهشت در لندن و در مقابل سفارت آمریکا کارگران لندن که به سخنرانی آندرو موری سندیکالیست بانفوذ آمده بودند، فریاد « نه به ناتو، به ایران حمله نکنید» را سر دادند. آندرو موری در میان تظاهرکنندگان گفت: اجلاس سران کشورهای عضو ناتو، اجلاس جنایت کاران جنگی است. و با صدای بلند گفت: دست ها از خاورمیانه کوتاه، ما اجازه نخواهیم داد که سناریوی لیبی دوباره در ایران تکرار شود.

پیروزی دیگری برای جنبش کارگری

با توجه به زندانی بودن شمار زیادی از فعالان صنفی، با خبر شدیم که علی اکبر پیرهادی دبیر سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد پس از هفت سال پی گیری های مستمر برای دیوان عالی کشور به کار بازگشت. او که در اولین مرحله اخراجی های شرکت واحد قرار داشت با هفت سال شکایت به اداره کار وقوه قضاییه و سپس دیوان عالی کشور و با فشار سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد و جنبش کارگری ایران و جهان در روز 1391/2/20 در منطقه 6 پایانه اتوبوس رانی مشغول بکار شد. ماضن تبریک به سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد خواهان بازگشت به کار ابراهیم مددی و منصور اسالو نایب رییس و رییس هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد بوده، همچنین خواستار آزادی فوری رضا شهابی و علی نجاتی و دیگر فعالان کارگری هستیم.

کارگران فلز کار مکانیک 1391/3/ 20

جغد یک درصد

سرزمین ها غرق خون گردیده اند	ای که آسیب از تو مردم دیده اند
کس نبوده از تو هرگز در امان	وی تو آن یک درصد خلق جهان
ای بسا شد خانواده در بدر	شد به مردم زندگانی تنگ تر
کز تو مردم را رسیده جان به لب	چشم دل وا کن تو ای افزون طلب
در جهان یکباره هر جا را گرفت	زین سبب فریاد مردم پا گرفت
جغد یک درصد شود هر جا مهار	خلق بر آنند در این روزگار

آفت درماندگی درمان شود

علی جعفری (کارگر)

زندگی بر کام هر انسان شود

قهرمانان گمنام جنبش کارگری ایران

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

نورالدین جاوید پور مشهور به کاوه، مردی از تبار جنبش کارگری ایران بود. او در بیستم خرداد 1332 در سال کودتا متولد شد. خانواده آزادیخواهش در روستای جوبند (12 کیلومتری اهر) زندگی می کردند. در سال 1341 با خانواده به تبریز کوچ کردند و با برادرش اکبر آقابه کار کفاشی مشغول شد. او در حین کار آموزه های پدرش را بیشتر درک کرد و برای تغییر شرایط کارگران کفاشی دست به مبارزه زد. او چنان برای رهایی طبقه کارگر کوشید که در سالهای 1355 و 1356 مجبور به زندگی مخفی شد. همزمان با خیزش 29 بهمن 1356 مردم تبریز از مخفی گاهش در ده هومان کلیبر خود رابه تبریز رساند که شناسایی و دستگیر شد. اما آن چنان در میان مردم محبوب بود که هنوز در دکه میدان ساعت پلیس بازداشت بود که اصناف و کارگران خیابان تربیت آزادش کردند. در هنگامه انقلاب بهمن آن چنان از خود گذر کرده بود که همچون عاشقی در انتظار معشوق. از پخش اعلامیه و سخنرانی در مساجد گرفته تا سازماندهی اعتراضات، تمامی وقت او را به خود اختصاص داده بود. آنقدر محبوب بود که آخوند هایی همچون میرزا محمد صادقی و زارعی احترام زیادی برایش قایل بودند. پس از انقلاب نه تنها به سازماندهی تشکیلات سندیکای کارگران کفاش همت گماشت، بلکه به سازماندهی سندیکای کارگران ساختمانی، قالیباف ها، بنایایان به همراه سندیکالیست های مبارزی چون نویری و بابک همگامی داشت. به خاطر فعالیت های جانانه او در امر مبارزات سندیکای کفاش در قیل و بعد از انقلاب، او به دبیری سندیکای کارگران کفاش انتخاب و نماینده کارگران کفاش در انجمن همبستگی تبریز شد. او در انجمن همبستگی تبریز یار و یاور سندیکاهایی بود که تازه تاسیس یافته بودند. اما فعالیت های رفیق جاوید پور (کاوه) به سندیکای کفاش و انجمن همبستگی محدود نمی شد. تهیه نوار های کاست دهقانی و نمایشنامه های تالار تربیت تبریز بر کسی پوشیده نیست. رفیق جاوید پور تا آخرین لحظات زندگی، خود را از صفوف کارگران جدا ندانست و موقعیت های خوب شغلی را فدای آرمان کارگریش نمود. چنان زیست که در شخصیت یک انسان مبارز و طبقه زحمتکش ایران بود.

رضی زاده

طلسم خیال

گرچه عمرم در آخر خط است

هر سرانجام را سر آغازیست

از ره خویش بر ندارم دست

زانکه دانم بجان به عالم زیست

نیمه ی راه، ای که خسته شدی

به طلسم خیال بسته شدی

تا به امروز هم سفر بودیم

ای بسا راه بسته بگشودیم

حال نسل دگر توانا تر

علی جعفری (کارگر)

راه نا رفته آورد به سر

محدودیت برای فعالین کارگری به نفع چه کسانی است؟

فشار به سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد به جهت برگزاری جلسات هیات مدیره و در پی آن دستگیری اعضای کمیته هماهنگی که برای مجمع عمومی خود در کرج گرد هم آمده بودند، نه تنها نقض حقوق انسانی و منشور جهانی سندیکاها و مقابله نامه های سازمان بین المللی کار، امضا شده توسط دولتمردان قبلی و فعلی است، بلکه زیرپا گذاشتن اصول 9 و 26 قانون اساسی نیز می باشد. تدوین کنندگان اصل 26 به خوبی دریافته بودند که دیکتاتوری شاه نباید دوباره تکرار شود و عضویت در یک نهاد حقی است انسانی به همین خاطر تاکید کردند که «هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» و در اصل 9 نیز متذکر شده اند که «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». پس از 30 سال از تدوین این قوانین امروز ما شاهد برخوردهایی غیر انسانی و زیرپا گذاشتن فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت) هستیم. چه کسانی خواهان اجرایی نشدن فصل سوم قانون اساسی هستند؟ و به نفع چه کسانی است که کارگران خواهان حقوق اجتماعی و صنفی خود، در بند باشند؟ و سندیکاها و تشکلهای کارگری در محدودیت؟ سندیکاها منافع چه کسانی را تهدید می کنند؟ ما کارگران فلزکار و مکانیک تاسف و نگرانی خود را از این روند اعلام کرده و باز هم اعلام می کنیم که این گونه برخوردها با فعالین کارگری مورد اعتراض کلیه سندیکالیست های ایران است. ما خواستار آزادی فوری کلیه زندانیان کارگری در بند هستیم.

کارگران فلزکار مکانیک 1391/3/30

بیانیه به مناسبت 12 ژوئن 2012
روز جهانی مبارزه با کار کودک

در دهمین سال روز جهانی مبارزه با کار کودک به سر می بریم نخستین بار در سال 2002، دوازدهم ژوئن توسط (ILO سازمان جهانی کار) به این نام برگزیده شد. امروز در حالی به استقبال روز جهانی مبارزه با کار کودکان می رویم، که وضعیت کودکان در سطح بین المللی و داخلی دست خوش تغییرات بسیاری گشته است. گسترده فقر، حاد شدن مسئله ی غذا، افزایش جنگ های داخلی، خشونت و تبعیض علیه کودکان مهاجر و اقلیت ها بیش از پیش شدت گرفته است. ... در افغانستان شش میلیون کودک مشغول انجام کارهای سخت و زیان آور می باشند. در هند کمیسیون ملی حمایت از حقوق کودکان تعداد کودکانی را که به علت فقر از تحصیل جا مانده و به عنوان نیروی کار ارزان به بازار کار پرتاب می شوند 13 میلیون

نفر تخمین زده است. در ایران با توجه به افزایش سطح مالی خط فقر و اختلاف فاحش آن با حداقل دستمزد رسمی ارائه شده از سوی وزارت کار، ورود کودکان طبقات و اقشار تهی دست به بازار کار شتابی خطرناک یافته است. هم چنین بر اثر هدفمندسازی یارانه ها و سخت تر شدن شرایط تولید روز به روز اشتیاق کارفرمایان برای به خدمت گرفتن کودکان بیشتر می شود و قانون ممنوعیت کار افراد زیر پانزده سال (در ایران سن کودکی زیر پانزده سال است) با جدیت اجرا نمی شود... شرایط بهداشتی اسفناک کودکان کار در ایران، افغانستان، چین، زیمبابوه، مکزیک و آمریکا همه از یک جنس هستند. بلوغ زود هنگام روحی و جسمی که شرایط ساخت فضای کاری بر آنان تحمیل می کند، قابل جبران نیست؛ معضله بهره کشی جنسی و پدیده ی کودکان روسپی نیز یکی از ابعاد بزرگ فاجعه علیه کودک است. در کشورهای پیرامونی در این نظم جهانی نظیر بعضی کشورهای آفریقایی و آسیایی با پدیده ی دیگری به نام سرباز کودک هم مواجه می شویم که در راستای جنگ ها و برخوردهای نظامی-فرسایشی حتی کودک را در بعضی مواقع به صورت برده ی نظامی و یا مزدور نظامی اسیر خود نموده است. آن چیزی که ما امروز به نام بزهکاری نوجوانان و جوانان با آن مواجهیم، گوشه ای از درد کودک کار دیروز است. چرا که کارفرما حاضر به پرداخت حقوق وی به عنوان یک فرد بزرگ سال نیست و استخدام کودکان دیگر را ترجیح می دهد و انسانی که در کودکی بدون کسب هیچ مهارت درآمدا مشغول کار بوده است ناچار به این سو کشانده می شود. درد کودکی که در سودان ناخواسته به سرباز تبدیل شده با درد کودکی که در چین کارگر روزمزد شده است، بی هیچ تردیدی دردی است مشترک.

امروزه کم تر کسی هست که به اثرات منفی کار کودکان واقف نباشد. در واقع همان خانواده هایی که کودکانشان وارد چرخه ی کار می شوند، خود بیش از بعضی فعالین - که راه حل مسئله ی کار کودک را در بستر های فرهنگی می بینند- به تاثیرات منفی کار کودکان آگاهند. ما معتقدیم مبارزه برای لغو کار کودکان بدون شناخت بستر های تشکیل دهنده ی ضرورت وجود آن در جامعه امکان پذیر نیست. این مناسبات اقتصادی مبتنی بر رقابت های تولیدی هاست که در واقع رقابت برای پایین آوردن هزینه های تولید به حداقل را به اصلی ترین ضرورت برای بقای یک واحد تولیدی تبدیل می کند. کودکان و زنان و مهاجرین به دلایل حقوقی و فرهنگی کمتر قادر به پی گیری مطالبات خود هستند و بیش از دیگران به عنوان نیروی کار ارزان استثمار و قربانی این رقابت بی رحمانه می شوند.

وظیفه ی نه تنها فعالین حقوق کودکان، بلکه همه انسان ها در این مقطع بحرانی، تلاش برای هدف قرار دادن و فشار آوردن به این مناسبات بی رحمانه است. زیر فشار قرار دادن ارگان های مسئول و هشدار تبعات رویکردهای کودک ستیز به مسئولین و کسب دست آوردهای حقوقی برای کودکان از یک سو و پیگیری و اجرای این دستاوردها از طریق حساس کردن بخش های مختلف جامعه از سوی دیگر می تواند ضامن ادامه حرکت در راستای لغو کار

کودکان باشد. این خواست ها تنها قدمی کوتاه برای از میان بردن استثمار و تبعیض علیه کودکان است.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان 12 ژوئن 2012 (23 خرداد 1391) **محدودیت برای فعالین کارگری به نفع چه کسانی است؟**

فشار به سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد به جهت برگزاری جلسات هیات مدیره و در پی آن دستگیری اعضای کمیته هماهنگی که برای مجمع عمومی خود در کرج گرد هم آمده بودند، نه تنها نقض حقوق انسانی و منشور جهانی سندیکاها و مقابله نامه های سازمان بین المللی کار، امضا شده توسط دولتمردان قبلی و فعلی است، بلکه زیرپا گذاشتن اصول 9 و 26 قانون اساسی نیز می باشد. تدوین کنندگان اصل 26 به خوبی دریافته بودند که دیکتاتوری شاه نباید دوباره تکرار شود و عضویت در یک نهاد حقی است انسانی به همین خاطر تاکید کردند که «هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» و در اصل 9 نیز متذکر شده اند که «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». پس از 30 سال از تدوین این قوانین امروز ما شاهد برخوردهایی غیر انسانی و زیرپا گذاشتن فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت) هستیم. چه کسانی خواهان اجرایی نشدن فصل سوم قانون اساسی هستند؟ و به نفع چه کسانی است که کارگران خواهان حقوق اجتماعی و صنفی خود، در بند باشند؟ و سندیکاها و تشکلهای کارگری در محدودیت؟ سندیکاها منافع چه کسانی را تهدید می کنند؟ ما کارگران فلزکار و مکانیک تاسف و نگرانی خود را از این روند اعلام کرده و باز هم اعلام می کنیم که این گونه برخوردها با فعالین کارگری مورد اعتراض کلیه سندیکالیست های ایران است و خواستار آزادی فوری کلیه زندانیان کارگری در بند هستیم.

کارگران فلزکار مکانیک 1391/3/30